دیوان افضل

حمد رانم بر زبان لله رب العالمین
آنکه جان بخشید در قرآن هدی للمتقین
از سفیدی و سیاهی گیر تا لوح و قلم
یک رقم از خط حکمتش وهو خیر الحاکمین
از خدا ترس و مترس از مکر شیطان رجیم
خوانده آخر کی والله خیر الماکرین

امیر خسرو

شبهای دراز و هر کسی با یاری — آراسته از نشاط و عشرت کاری
مسکین من و اندوه یکی خونخواری — محرم نه کسی بخانه جز دیواری

ایضا له

ای هجر چرا خون دلم می‌نخوری — ای دوست چرا ز حال من بیخبری
ای گریه گر آشناییت با من نیست — افتد که دمی از بر من درگذری

ایضا له

از قد تو سرو راستین می‌پیچد — جایی که نشسته زمین می‌پیچد
کج میروی از کرشمه در ره مانا — پایت ز گرانی سرین می‌پیچد

ایضا له

ای غم که همه بر من غمخوار آیی — وقتی چه شود که بر دل یار آیی
وی شب که سیاه میکنی روز مرا — یارب که بروز من گرفتار آیی

ایضا له

ای ترک چو تو کمان کشی آغازی — صد دل هدف خدنگ خود برسازی
دانی ز چه میرود خدنگت نالان — کز خویشتنش دور همی اندازی

ایضا له

در این لقمه کاندر میانست — جوانمردی ز خوان دیگرانست

ایضاً له

چو من طوطی هندم ار راست پرسی — ز من هندوی پرس تا نغز گویم

ایضاً له

یک بیت از آن من تواند خرید پس — زیرا که کس بهشت برین را بها نکرد

ایضاً له

هر که علیکم بگوید تمام — بر که سلامش بکنم والسلام

ایضاً له

خسرو چو سلامت بکند عیب مگیرش — عاشق که ترا دید چه پروای سلامت است

تم الدیوان بعون الله الملک المنان علی ید العبد الراجی
الی رحمة الله الصمدی منعم الدین الاوحدی
غفر الله ذنوبه وستر عیوبه
فی شهور سنة اثنین
وتسعمایه
الهجریة